

نشریه دانشجویی بیان

صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی - اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

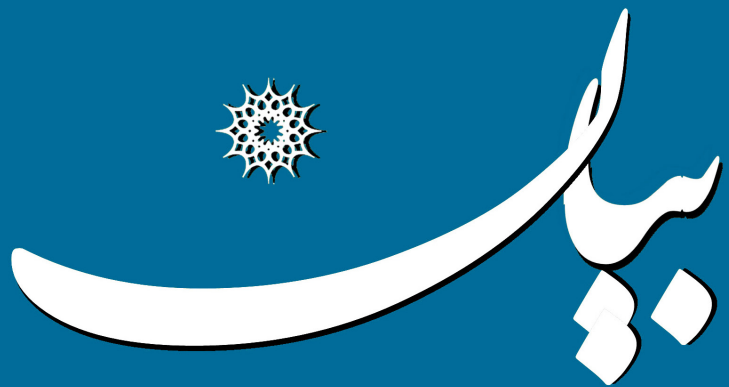
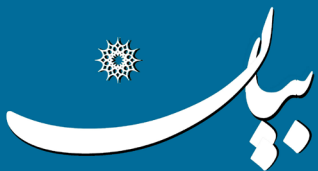
مدیر مسئول: بشیر معتمدی

مدیر اجرایی: منوچهر صابر

سر دبیر: فرزانه فولادبند

مدیر هنری: محمدرضا میر غلامی

همکاران این شماره: بهمن بنی‌هاشمی، فاطمه دقیقی‌ماسوله، علی‌اصغر عروجی، عباس لطفی، محمدمهدی نقی‌پور، سعید مزروعیان، الهه صابر، علی کاشی



نشریه دانشجویی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال سوم، شماره بیست و دوم، مهر ۱۳۹۷

صدای دانشجو

■ خیلی خوب می‌شد اگر اساتید را مجبور به گرفتن امتحان نکنند. دانشجویان پژوهشگاه در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری درس می‌خوانند، رویکرد اصلی پژوهشگاه هم که پژوهش محور است و اساتید در طول ترم بر انجام پژوهش تاکید دارند اما در پایان ترم به جای اینکه کار پژوهشی دانشجویان ملاک ارزیابی باشد در زمان و ساعت مشخصی امتحان کتبی برگزار می‌شود. خیلی وقت‌ها علاوه بر دانشجویان اساتید هم ترجیح می‌دهند امتحان بگیرند اما می‌گویند از طرف اداره آموزش تحصیلات تکمیلی مجبور به این کار هستند. ای کاش این اجبار برطرف شود چون سبب استرس و اضطراب بی‌مورد برای دانشجویان می‌شود.

■ وضعیت ارسال و توزیع غذا در ساختمان تحصیلات تکمیلی مناسب نیست و با بی‌نظمی و بی‌برنامگی همراه است. بارها پیش آمده که وقتی ظهر برای خوردن ناهار به سلف مراجعه می‌کنیم یا می‌گویند غذا کم است و یکی دو ساعت دیگر می‌رسد یا می‌گویند فرد دیگری غذای شما را گرفته است.

■ شکل و نوع ظرف‌های یکبار مصرف غذای دانشجویان در ساختمان کریمخان مناسب

نیست و آب و چربی غذا از ظرف‌ها بیرون زده است. اگر غذاهای آبدار در ظرف‌های کاسه‌ای دردار ریخته شوند این مشکل پیش نمی‌آید. ظرف‌های آلومینیومی نیز برای غذاهای گرم از نظر سلامت و حفظ محیط زیست بهتر و مناسب‌تر است و با توجه به تعداد کم دانشجویان با ظرف‌های بی‌کیفیت فعلی اختلاف قیمت چندانی ندارد.

■ مشکلات در خوابگاه زیاد است و هر چه هم اعتراض می‌کنیم و می‌گوییم فایده‌ای ندارد. انگار به مشکلات خوابگاه مواد نگهدارنده زده‌اند که اینقدر ماندگاری‌شان بالاست. مثلاً درب یخچال خراب است و برفک می‌زند، ظرف مایع دستشویی پر نمی‌شود، دمپایی نداریم و کولرها همچنان خراب است با این وجود جالب است که حال‌مان از ترم قبل بهتر است و راحت‌تر با این مشکلات کنار می‌آییم. در واقع مشکلات برطرف نشده است اما انگار ما به شرایط عادت کرده‌ایم.

■ در خوابگاه دختران، دانشجویان جایی برای قرار دادن وسایل‌شان ندارند. کمد، قفسه یا فضایی برای وسایل شخصی نیست. پایه تخت‌ها هم اینقدر کوتاه است که نمی‌توان از فضای زیرتخت برای قرار دادن چمدان

استفاده کرد. این مشکل واقعا آزاردهنده است و امیدواریم رسیدگی شود.

■ خواشمندیم برنامه‌های فرهنگی و تفریحی، اردوها و سفرهای زیارتی و برنامه‌ها و نشست‌های هنری نیز برای دانشجویان برگزار شود.

■ ساختمان تحصیلات تکمیلی شکل اداری دارد و حال و هوایش دانشجویی نیست. پیشنهاد می‌کنم در حیات ساختمان یا نورگیر طبقه اول چند نیمکت و یک بوفه کوچک برای فروش تنقلات و مواد غذایی در نظر گرفته شود.

■ سالن غذا خوری دانشجویان در ساختمان کریمخان تهویه مناسبی ندارد و همیشه یک سماور بزرگ آنجا در حال جوش است که باعث می‌شود بوی نم بدهد. چند وقت پیش موقع خوردن غذا چند قطره آب در غذایم ریخت سرم را بالا گرفتم، شیشه عینکم هم خیس شد فکر کنم تاسیسات نیاز به رسیدگی دارند.

■ کتاب فروشی پژوهشگاه کتاب‌ها را با تخفیف به دانشجویان می‌فروشد اما این تخفیف برای برخی کتاب‌ها کمتر است، چرا؟

خدمات مشاوره

سرکار خانم فرشته میرخشتی، مشاور خانواده روزهای یکشنبه و سه‌شنبه در طبقه هفتم ساختمان تحصیلات تکمیلی حضور دارند و آماده ارائه خدمات مشاوره‌ای هستند. دانشجویان می‌توانند در زمینه ارتقای مهارت‌های ارتباطی، مشاوره پیش از ازدواج، مشاوره زوجین و خانواده از ایشان کمک و راهنمایی بگیرند. برای هماهنگی و تعیین وقت با شماره ۸۸۰۴۶۹۹۳ داخلی ۱۴۸ تماس بگیرید.

ساعت تردد سرویس ون

برای تردد دانشجویان سرویس ون ساعت‌های ۷:۴۵، ۹:۴۰، ۱۱:۴۵، ۱۳:۳۰، ۱۵:۴۰ و ۱۸:۴۵ از ساختمان کردستان به کریمخان و ساعت‌های ۸:۴۰، ۱۰:۱۵، ۱۲:۳۰، ۱۴:۳۵ و ۱۵:۳۵ از ساختمان کریمخان به ساختمان کردستان حرکت می‌کند.

همکاری با تحریریه نشریه دانشجویی

از دانشجویان دعوت می‌شود ایده‌های جدید، پیشنهادها، انتقادات و همچنین آثار مکتوب، یادداشت‌ها، اشعار و دل‌نوشته‌های‌شان را از طریق مراجعه حضوری به معاونت فرهنگی در طبقه اول ساختمان پژوهشگاه تحویل دهند و یا از طریق ایمیل برای سردبیر ارسال کنند و برای ارتباط بهتر و بیشتر در جلسات ماهانه تحریریه نشریه شرکت کنند.

دانشجویان برتر ورودی ۹۷ تقدیر شدند



محمد دالوند

دکتری

تاریخ ایران بعد از اسلام



حسین کاردرگر

دکتری

زبان و ادبیات فارسی



نیما آصفی یگان محله

دکتری

فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران



مصطفی شعبانی

دکتری

فلسفه علم و فناوری



بیناقوچانی

دکتری

زبان شناسی



فاطمه پوریانی

کارشناسی ارشد

زبان و ادبیات فارسی



عبدالله محمودی

کارشناسی ارشد

زبان و ادبیات عربی



شاهین عزیززاده دیزج

کارشناسی ارشد

علوم اقتصادی



فاطمه باقری

کارشناسی ارشد

مدیریت رسانه



بهراد نفیسی

کارشناسی ارشد

زبان‌های باستانی ایران



سید علی حجازی مهریزی

کارشناسی ارشد

فلسفه دین



رضوان تتار

کارشناسی ارشد

علوم قرآن و حدیث



محمد حسین عربشاهی همدانی

کارشناسی ارشد

زبان شناسی همگانی



علیرضا قربانی

کارشناسی ارشد

تاریخ ایران اسلامی

مراسم معارفه دانشجویان جدید الورد



(معاونت پژوهشی) و دکتر قنبرلو (معاونت تحصیلات تکمیلی) دریافت کردند.

در ادامه دکتر ملایی معاونت پژوهشی پس از ذکر سابقه تاریخی پژوهشگاه و گرامیداشت یاد اساتید برجسته‌ای که در این نهاد فعالیت کرده‌اند، به برشمردن ظرفیت‌های ویژه پژوهشگاه پرداختند و در پایان درباره اهمیت کارهای تحقیقی و پژوهشی و به ویژه پایان‌نامه‌نکاتی را یادآور شدند و دانشجویان را به ایده‌پردازی و مسئله‌مندی تشویق کردند.

دکتر کریمی‌علوی دیگر سخنران این مراسم نیز پس از معرفی معاونت فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه، به بیان کم و کیف امکانات رفاهی پرداختند و ضمن اعتراف به کمبود این امکانات به ویژه در خوابگاه‌ها، از تلاش برای بهبود این شرایط سخن گفتند.

سپس دکتر کریم مجتهدی استاد پیشکسوت به دانشجویان جدیدالورود خوش آمد گفتند و سخنانی در بزرگداشت علم آموزی و یادگیری ایراد کردند.

سخنران پایانی مراسم دکتر قنبرلو بودند که ضمن معرفی این معاونت برخی ضوابط اداری را برای دانشجویان خاطر نشان کردند.

تهیه و تنظیم: سعید مزروعیان

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی



فرزانه فولادبند، سردبیر

دانشجوی کارشناسی ارشد دین و رسانه
f.fouladband@gmail.com

ایران!

فدای اشک و خنده تو، دل پر و تپنده تو
فدای حسرت و امیدت، رهاییِ رمنده تو

افشین یداللهی

۱. حادثه تلخی که در آخرین روز تابستان رخ داد کام همه ما را تلخ کرد. حمله تروریستی صبح روز یکشنبه ۳۱ شهریور ماه ۹۷ به مراسم رژه نیروهای مسلح در شهر اهواز که زنان و کودکان و خانواده نظامیان در آن حضور داشتند و ۲۴ کشته و ۶۰ زخمی برجای گذاشت باعث تأسف و ناراحتی هموطنان شد و سبب شد مهر را با بهت و بغض آغاز کنیم. ضمن عرض تسلیت، ابراز همدردی و آرزوی صبر برای آسیب‌دیدگان و خانواده قربانیان این حادثه تلخ، برای ایران عزیز آرزوی امنیت، آرامش و سربلندی داریم.

۲. به دانشجویان جدید الورد تبریک، خیر مقدم و خوش آمد می‌گوییم و امیدواریم در تمام مراحل زندگی‌شان موفق و پیروز باشند. از همه عزیزان دعوت می‌کنیم در کنار وظیفه اصلی‌شان که کسب علم و تحقیق و پژوهش است در نشریه خودشان یعنی «نشریه دانشجویی بیان» نیز مشارکت فعال داشته باشند. دکتر بشیر معتمدی مدیر مسئول نشریه در اتاق معاونت فرهنگی در طبقه اول ساختمان پژوهشگاه پذیرای ایده‌ها، نظرات و آثار دانشجویان هستند. همچنین دانشجویان می‌توانند آثارشان را از طریق آدرس الکترونیکی بالای همین ستون برای سردبیر ارسال کنند.

۳. یکی از اعضای هیئت علمی پژوهشگاه، جناب آقای حجت الاسلام دکتر مهدوی‌زادگان، توضیحی بر یکی از یادداشت‌های شماره قبل نوشته‌اند. ضمن تشکر و قدردانی از توجه و ابراز محبت‌شان برای اطلاع‌رسانی بهتر و استفاده نگارنده و سایر دانشجویان از نقطه نظرات ایشان متن نامه را در صفحه ۳ این شماره آورده‌ایم.

بحران آب، از واقعیت تا سراب

چاه‌های ژرف، رؤیایی دست یافتنی
لیبی، کشور خشک در قاره آفریقا که برای برون رفت از بحران آب در دهه‌های گذشته اقدام به حفر چاه‌هایی به عمق هزار تا ۲ هزار متر کرد تا به منابع آبی زیرزمینی دسترسی داشته باشد. این منابع آب ژرف که با شکافتن پوسته سخت زمین به وسیله تجهیزات حفاری نفتی ممکن خواهد بود، به نوع تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر تقسیم می‌شوند. نوع اول آن از طریق گسل‌ها به سطح زمین آمده و وارد دریاها و رودخانه‌های بزرگ می‌شود به عبارت دیگر،

عدم فهم مسئله توسط صاحبان رسانه‌هاست که باعث شده است تا تبلیغات و پیام‌های آن‌ها اثرگذاری لازم را نداشته باشد و مسئله اصلی که کاهش مصرف آب است، حل‌نشده باقی بماند.

کشت فراسرزمینی، عملیات فریب
«کشت فراسرزمینی»؛ این ترکیب را به خاطر بسپارید، شاید در آینده نزدیک از رسانه‌های مختلف زیاد بشنوید. کشت فراسرزمینی یعنی به بهانه کمبود آب،



استفاده منطقی و به اندازه از این منابع هیچ‌گونه آسیب زیست محیطی، چه در زمان حال و چه در آینده نخواهد داشت. از طرف دیگر ایران جزو کشورهایی است که بیشترین میزان گسل را در دنیا دارد، در نتیجه میزان دسترسی ایران به منابع آبی ژرف تجدیدپذیر، بسیار بالاست. حجم این آب‌های استراتژیک که به آن آب‌های فسیلی نیز می‌گویند به اندازه‌ای است که حفر یک حلقه چاه ژرف برای کشوری مانند لیبی کافی بود تا مسئله کمبود آب خود را حل کند. امروزه نیز اولین فعالیت‌ها برای حفر چاه ژرف در استان سیستان و بلوچستان که از خشک‌ترین استان‌های کشور است، انجام شده است.

ارجاع:

(۱) مصاحبه وزیر نیرو با خبرگزاری فارس در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۸۸ و مصاحبه معاون آموزش، پژوهش و فناوری وزارت صنعت، معدن و تجارت با خبرگزاری ایسنا در ۴ بهمن ۱۳۹۶؛

(۲) تعریف باشگاه کشاورزی فراسرزمینی (برون مرزی) به آدرس farasarzamani.ir



علی اصغر عروچی

دانشجوی کارشناسی ارشد دین و رسانه
aliasghar.rouji@yahoo.com

چند سالی است که با ترکیب واژگان «بحران آب» آشنا شده‌ایم و به صورت خاص از طریق رسانه‌های مرجع نظیر رادیو و تلویزیون و بیلبردهای شهری با این مسئله در حال دست و پنجه نرم کردن هستیم اما اکنون می‌خواهیم از نگاهی دیگر به این مسئله نگاه کنیم.

چندی است که شاهد اخبار مربوط به خشکسالی، احتمال طولانی بودن زمان آن و کاهش حجم باران در سطح کشور هستیم. این موضوع زنگ خطر را برای تفکر پیرامون این موضوع برای همه به صدا در آورده است. حال می‌خواهیم این موضوع را از ۳ منظر بررسی کنیم.

سهم رسانه، آدرس غلط

بیشتر سهم آب موجود در کشورها عموماً در بخش‌های کشاورزی، صنعتی و خانگی مصرف می‌شود. در کشور ما نیز عمده مصرف آب در کشور در همان ۳ بخش گفته شده است. در برهه‌های زمانی مختلف، طبق گفته مسئولین، سهم بخش خانگی در بیشترین حالت، ۸ درصد از کل منابع آبی است و مابقی آن در حوزه‌های کشاورزی و صنعتی مصرف می‌شود. (۱) همانطور که می‌دانیم عدم وجود الگوی مصرف صحیح در هر کدام از بخش‌ها، باعث هدر رفت میزان زیادی آب شده است که با توجه به زیاد بودن سهم بخش کشاورزی در مصرف آب، طبیعتاً اصلاح الگوی مصرف، افزایش میزان بهره‌وری و بازدهی کشاورزی می‌تواند سهم بسیاری در کاهش هدررفت آب داشته باشد. با این حال شاهد آن هستیم که رسانه‌ها در تبلیغات خود این پیام به مخاطبان القا می‌کنند که بیشتر هدررفت آب، در بخش خانگی و از سوی مصرف‌کنندگان خانگی اتفاق می‌افتد.

استفاده مکرر از نمادهایی مانند شیر آب آشپزخانه و شلنگ آب خود گویای این امر است که رسانه‌ها به مخاطبان خود آدرس غلط می‌دهند. به نظر می‌رسد این موضوع ناشی از

کشاورزی را در داخل کشور تعطیل کنیم، سپس با کرایه زمین‌های کشاورزی در کشورهای دیگر مانند کشورهای آمریکای جنوبی یا آسیای مرکزی، محصولات کشاورزی خود را با استفاده از منابع آبی و انسانی آن‌جا تولید کنیم (۲) و با هزینه‌های گزاف حمل و نقل، به کشور بیاوریم. این نوع از کشاورزی، علاوه بر اینکه با مخاطراتی نظیر اعمال تحریم‌های جدید در این حوزه و بلوکه کردن املاک کشاورزی روبرو است، کشور را در حوزه محصولات کشاورزی و غذایی به طور کامل وابسته به خارج از کشور می‌کند، امری که در تاریخ این کشور و حتی در بدترین شرایط نظیر ۸ سال دفاع مقدس و قحطی پس از جنگ دوم جهانی در ایران بی‌سابقه است.

آثار سوء وابستگی کشور در حوزه محصولات غذایی و کشاورزی به سایر کشورها، موضوعی بدیهی است که نباید فریب عملیات رسانه‌ای «کشت فراسرزمینی» را خورد.

آخر هر جنگی صلح است



عباس لطفی
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت رسانه
abbas_lotfi۹۴@yahoo.com

پس؛
۱- آخر هر جنگی صلح است. ۲- عاقل کسی است که از تهدید فرصت می‌سازد، ما هر دو عاقل بودیم. ۳- فحش دادن دلیل کسانی است که حق با آنها نیست. ۴- وقتی کسی عصبانیت می‌کند یعنی توانسته بر تو چیره شود.
این داستان را در هر ترم برای دانشجویهایم تعریف می‌کنم و کلی باهم، لحظه الاغ شدنم را می‌خندیم.

تقصیر ماست!

تاریخ معاصر و کهن) و هزاران بار در یک چاه افتادن، تقصیر ماست؛ این مغلق‌گویی‌ها و اختلافات زبانی در نوشتارهای علمی و غیرعلمی، تقصیر ماست؛ این بانک اطلاعاتی شدن دانش‌جویان و دانش‌آموزان (به قول آقای دکتر ملائی)، تقصیر ماست و سایر آسیب‌های اجتماعی و رسانه‌ای و اقتصادی و مدیریتی و فکری و فرهنگی و ادبی و تاریخی همه و همه تقصیر ماست.
هدف من از این شرح و بسط، طرح و تبیین این مسأله‌ی مهم بود تا مطلعی برای نوشته‌های بعدی و حل نهایی آن باشد؛ که «مشکلات فعلی کشور تقصیر ماست و برای حل آن‌ها پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چه اقداماتی باید انجام دهد؟» و اولین قدم برای حل مسأله، همین تبیین و فهم مسأله بود. اکنون که مسأله روشن شد راحت‌تر می‌توانیم به یک‌دیگر برای حل آن کمک کنیم.
امیدوارم این سری نوشته‌ها مورد توجه دانشجویان، اساتید و مسئولین قرار گرفته و راهنمای مناسبی برای پایان‌نامه‌ها و جهت‌گیری‌های بعدی‌شان باشد.

تابستان سال ۱۳۸۹ بود. در حال رانندگی بودم حواسم نبود. یک دفعه یک ماشین با سرعت از کنارم رد شد و با بوق ممتد داد زد و گفت: «هی الاغ! حواست کجاست؟» همانطور با سرعت رفت پشت چراغ قرمز ایستاد. چون خیابان خلوت بود من هم رفتم کنارش ایستادم. شیشه‌های هر دوی‌مان پائین بود. یواشکی از کنار چشم‌هایش به من نگاه می‌کرد. من هم مستقیم به او نگاه می‌کردم. گفتم: «آقا میدانستی الاغ ماده است و خرها نر هستند؟ تو باید به من می‌گفتی خر. دوم اینکه اگر من الاغم، حتما تو هم حضرت سلیمان هستی چون الان داری زبان الاغ‌ها را می‌فهمی. سوم اینکه اصلاً حواسم به تو نبود، در عالم خودم بودم.» لبخند زد و سه بار گفت: «معذرت می‌خواهم.» من هم در ماشین شکلات



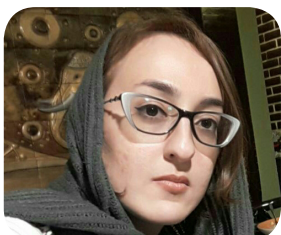
علی کاشی
دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث
kashi@alum.Sharif.edu

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی در مراسم معارفه‌ی دانشجویان جدید الورود گفتند: «علوم انسانی در کشور اولویت و اثرگذار است و دیدیم در موضوع برجام، پژوهشگاه چه موفقیت تاریخی‌ای بدست آورد.»
بنده نمی‌خواهم در این فرصت کوتاه به نقد برجام و نقش حوزه‌های مختلف پژوهشگاه علوم انسانی در آن بپردازم. فرض می‌کنیم برجام شاهکار روابط بین‌الملل و سایر حوزه‌های علوم انسانی و همچنین محصول پژوهش‌های پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بوده است.
ایشان در ادامه گفتند: «دانشجویان عزیز!

در صفحه ۳ شماره قبل مطلبی با عنوان «نقش انقلاب ۵۷ در گرایش مردم به دین» به چاپ رسیده بود که جناب حجت‌الاسلام دکتر داود مهدوی‌زادگان، از اعضای هیئت علمی پژوهشگاه، در یادداشتی به شرح زیر این مطلب دانشجویی را مورد نقد قرار داده‌اند.

انقلاب اسلامی و محک دینداری

هیچ دلیلی ندارد که در یک قضاوت کلی، اعمال جوارحی مردم را عاری از معنویت بدانیم. مضافاً اینکه باید در بررسی دینداری مردم، قدری ملاک ارزیابی را تصحیح کنیم. آنچه در ارزیابی معنویت مردم مهم است، گستره و عمق آن است. وقتی در اثر تجربه انقلاب اسلامی متوجه حقایقی از دین می‌شویم که تا پیش از آن به چنین درکی نرسیده بودیم؛ آنگاه است که می‌توان به توفیق انقلاب در دینداری مردم اذعان کرد. از جمله این حقایق، سیاسی بودن دین و حیانی است. چندین سده است که غریبان و پیروان بومی‌شان به کمک دانش خود ساخته سکولار، مردم جهان را با گزاره‌های وهمی چون دین، امر شخصی و غیرسیاسی است یا دین افیون توده‌ها است، فریب داده‌اند و تجربه انقلاب اسلامی در حال افسون‌زدایی از این فریب بی‌سابقه است. در این باره، مطالب دیگری هست که به همین مقدار بسنده می‌کنم. برای همه دانشجویان گرامی پژوهشگاه، از خداوند سبحان آرزوی علمی روزافزون را دارم.



فاطمه دقیقی ماسوله
دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی
fatemeh.daghighi۹۱@gmail.com

جالب‌تر اینکه در کنار اهدای جوایز، بیشتر برنامه‌ها سوار بر موج یاری رساندن به هم‌نوع، سامانه‌ای هم برای دریافت کمک‌های نقدی مردم به‌راه انداخته‌اند و در کنار هدایایی که با کلی شور و هیجان از میان تمامی شرکت‌کنندگان به برندگان خوش‌شانس می‌دهند، از همه تقاضای یاری و همدلی و شادکردن دل نیازمند دارند. بهتر نیست به‌جای اینگونه شرط‌بندی و قرعه‌کشی‌ها، تمام این وقت و هزینه صرف تامین نیازهای مادی و معنوی هموطنانی شود که بی‌شک سزاوارترین افراد برای بردن این جوایز هستند.
امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:
هرگاه مؤمنی بتواند برادر خود را یاری رساند اما کمکش نکند، خداوند در دنیا و آخرت او را تنها گذارد.



حجت‌الاسلام دکتر داود مهدوی‌زادگان
عضو هیئت علمی پژوهشگاه
davood@ihcs.ac.ir

نشریات دانشجویی، فرصت مناسبی برای شجاعت نوشتن دانشجویان است. چنین فرصتی، همواره با آرایه نبشته‌های خواندنی و مفید است که پایدار می‌ماند و البته کار خوب، فرصت دیده شدن را نیز پیش می‌آورد. وقتی مطالب دانشجویی نشریه بیان پژوهشگاه (شماره ۲۱، خرداد ۱۳۹۷) را مطالعه کردم، چنین برداشتی به من دست داد و بدین خاطر برای دانشجویان گرامی و دست‌اندرکاران محترم، آرزوی موفقیت روزافزون دارم. در عین حال، عریضه‌ای بر یکی از یادداشت‌های این شماره دارم و آن نوشته‌ای است که با عنوان «نقش انقلاب ۵۷ در گرایش مردم به دین» منتشر شده است. نویسنده با تفاوت به

تابستان خود را چگونه گذرانید؟

تابستان ۱۳۹۷ درحالی گذشت که تقریباً هرروزش را با خبری تاسف‌بار و دردناک سپری کردیم. خروج آمریکا از برجام، بازگشت تحریم‌ها، دگرگونی اوضاع بازار، افزایش روز به روز و حتی گاهی لحظه به لحظه نرخ ارز و بی‌ارزش شدن پول ملی در برابر چشمان یک ملت، افزایش قیمت طلا و سکه و هجوم افراد سودجو و نان به نرخ روزخور به سمت بازار برای پیش‌خريد، ممانعت کشورها از صادرات کالاها و مواد اولیه ضروری به ایران به خاطر تهدید ترامپ و باب شدن احتکار این کالاها به بهانه انباشت سرمایه و در نتیجه همه اینها گران شدن نجومی مایحتاج زندگی مردم از شیر و تخم‌مرغ و میوه گرفته تا پوشک و شیرخشک برای آن طفل معصومی که بی‌خبر از همه دنیا، سرنوشتش «زاده ایران» را برایش رقم زد.
در میان گشت‌وگذار در فضای مجازی با اتفاقات شوخی کردیم و خندیدیم، باین‌حال عمق فاجعه نیز بر کسی پوشیده نیست. چه بسیار کمپین‌هایی که به هدف یافتن راه‌حلی برای خروج از این گرداب به‌راه افتاد، چند روز یا چند هفته بسیار سروصدا کرد و در آخر مثل همیشه با یک «راه دررو» به تاریخ پیوست.

تصاویر و فیلم‌هایی از حقیقت زندگی مردم در جای‌جای ایران که تحمل رنج و سختی‌شان را به تصویر می‌کشید و در صفحات مجازی دست به دست می‌شد، گواهی بر آثار غیرقابل انکار این اتفاقات است که متأسفانه رسانه ملی به‌راحتی از کنار همه این حقایق رد شده و شعار نخ‌نما شده «شهر در امن و امان است» را سر می‌داد.
صدا و سیما که به گفته‌ی پیر فرزانه انقلاب قرار بود به مثابه یک دانشگاه عمومی، مرجع فکری و اندیشه‌ای جامعه ما باشد، در این روزها با روندی که درپیش گرفته بیشتر شبیه کازینوی همیشه فعالی است که فقط کافی است به سراغ کنترل بروید و تلویزیون را روشن کنید تا به ازای تماشای هر سریال یا شوی تلویزیونی به یک شرط‌بندی، مسابقه و یا قرعه‌کشی دعوت شوید تا در نهایت شرکت‌هایی برنده شوند که حامی مالی برنامه‌های تلویزیونی‌اند. هرشب یک ماشین لوکس، یک واحد آپارتمان، هزاران جایزه نقدی و غیرنقدی، کمک هزینه سفر و جوایز فریبنده و البته خلاقانه‌ای که در نهایت باعث به‌جیب زدن میلیاردها تومان سود توسط آنها می‌شود.



بهمن بنی هاشمی
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی
bahmansher@gmail.com

هیچ...

دنیای من اگر که فراذهنیست، پس من در این میانه چه می‌گوید؟
بودن بدون واژه فقط وهم است این وهم بی نشانه چه می‌گوید؟

من قبل واژه هیچ نبودم هیچ هیچی بدون واژه‌ی هیچ اما
آتش بزن به هیچ و بگو آتش بی شکل و بی زبانه چه می‌گوید؟

چشمم بدون ذهن چه می‌بیند؟ ذهنم بدون واژه چه می‌فهمد؟
از واژه غیر چیز چه می‌زاید؟ این چیز بی‌کرانه چه می‌گوید؟

ای چیز! ای تداعی نامعلوم! ای چیز! ای وسیع‌ترین مفهوم!
چیز تو ای دلالت ناپیدا بی عذر و بی بهانه چه می‌گوید؟

شیرِ درونِ بادیه پاسخ داد: «انگور با عنب مترادف نیست»
یعنی ببین که واو، الف، ح، دال از کثرتی یگانه چه می‌گوید؟

ما این حقیقت متکثر را چون ناودان و بادبزن دبدیم
آه این طناب کوتاه اگر فیل است، آن چار استوانه چه می‌گوید؟

در نام فیل، فیل نمی‌گنجد از لفظِ فهم، فهم گریزان است
از لفظ، لفظِ لفظ اگر خالی است، پس این کتابخانه چه می‌گوید؟

ما دلقکان دست زبان را عقل از پی‌روان مکتب خود پنداشت
خرخنده‌های جملجهات ای مرگ زین جهل جاودانه چه می‌گوید؟

ای فیلسوف خنده اگر جداً فصل میان آدم و حیوان است
از اخم و تخم خویش چه می‌فهمی؟ آن دست زیر چانه چه می‌گوید؟

من تخته‌بندِ واژه‌ام و از عشق جز عین و شین و قاف نمی‌فهمم
در وصف هیچ، هیچ‌ترین شاعر در عسرت زمانه چه می‌گوید؟

انشای ما قفس‌نفسان این است بی عشق و علم و ثروت و آزادی
مرغی که قوت غالب او مرگ است در وصف آب و دانه چه می‌گوید؟



الهه صابر
دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
elahehaber@gmail.com

آمدیم آینه باشیم ولی آه شدیم

آمدیم آینه باشیم ولی آه شدیم
مثل آدم شده‌بودیم که گمراه شدیم

مثل وقتی که ندانسته به خاک افتادیم
مایه‌ی سرزنش دشمن بدخواه شدیم

مردم از خلوت ما بیشتر آگاه شدند
هرچه ما از خودمان دیرتر آگاه شدیم

به بلندای دو گلدسته اذان می‌پیچید
که به خاموشی رفتار سحرگاه شدیم

ما به اندازه‌ی معراج پریدیم ولی
هرچه رفتیم فقط کفتر یک چاه شدیم

اول از عاقبت طعمه‌شدن ترسیدیم
عاقبت، زشت‌تر از حیل‌ی روباه شدیم

عمر طولانی ما هم به سرانجام رسید
حیف، در حسرت یک فرصت کوتاه شدیم



محمد مهدی نقی پور
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت رسانه
mehdi.ng@gmail.com

باید دوباره شعر بگویم برای تو

آرام نیست این من تنها جدای تو
باید دوباره شعر بگویم برای تو

این راه دور و خلوت صحرا و این سراب
تا ناکجا کشانده مرا پا به پای تو

با اینکه هوشیارم و چشمم به چشم توست
جا مانده انتهای من از ابتدای تو

گفتند دور باشم و گفتند ساحری
من مومن‌ام به مکر تو و ادعای تو

طوفان که زد دوباره خداها صدا شدند
دلخوش منم به لطف تو و ناخدای تو

تقدیر می‌کشاندم و اختیار هم
کشتی شکسته است؛ امان از قضای تو

یک عمر در پی نظرش بودم و رساند
قلب مرا به کسب وفا و رضای تو

آیا نمی‌شود ته این ماجرای تلخ
باران ببارد از پس درد و بلای تو

آیا نمی‌شود من تنها رها شوم
چون تیری از کمان وسط کربلای تو

آیا نمی‌شود نرسد قصه فراق
ختمش به روضه و کفن و ماجرای تو

یا سید شهید، بیا و ببین که ما
جان می‌دهیم هر شب و هر روز جای تو

صداها یزید ذکر تو بر لب نشسته‌اند
بر منبر تو، در صف صاحب عزای تو

با این همه دلیل امیدی به گریه هست؟
پر می‌شود، کاسه صبر خدای تو؟

امن یجیب! مضطر و تنها و بی‌کسیم
با این همه فدای تو، جانم فدای تو



سعید مزروعیان
دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
saeedmazrooeian@gmail.com

بشنو آواز سکونم ز پریشان حالی

چند روزی است به این مسئله می‌اندیشم
که چرا کمتر از اغیار به نزد خویشم

پیش از این یک سر مو منزلتی بود و کنون
از کمی، شکر خدا راست که بیش از پیشم

بشنو آواز سکونم ز پریشان حالی
زآنکه عمری است که دریای پر از تشویشم

بعد از این روی من و درگه آن یار عزیز
که اگر خاک رهم باز هم از این بیشم

جانم از زخم زبان همه‌تان آبله کرد
تا چه کردم که زنید از سر غیرت بیشم

هر کس از روی نصیحت نمکی می‌باشد
واین ندانسته که من بنده سراپا ریشم

ای گرفتار تنعم که غم خویش نیست
بگذر از طبع جوانمرد و دل درویشم

